

تحولات اوکراین و چشم‌انداز آینده

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۴۹۵

بهمن‌ماه ۱۳۹۲

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۳.....	مقدمه
۴.....	اهمیت اوکراین برای روسیه و اتحادیه اروپا
۵.....	زمینه‌های تاریخی تحولات و نیروهای موجود در فضای سیاسی اوکراین
۱۰.....	ریشه‌های تحولات اخیر اوکراین
۱۳.....	آینده تحولات
۲۱.....	نتیجه‌گیری
۲۳.....	منابع و مآخذ



تحولات اوکراین و چشم‌انداز آینده

چکیده

اوکراین در میان کشورهای حوزه پسا شوروی مهمترین پیوندهای تاریخی و هویتی را با روسیه دارد و از این رو اهمیت آن برای مسکو بیش از سایر کشورهای منطقه است. از طرفی این کشور در منطقه حائل بین روسیه و غرب واقع شده است و با در نظر گرفتن اهمیت ترانزیتی و استراتژیک آن مورد توجه غرب نیز قرار دارد. یکی از برنامه‌هایی که از جانب اروپا برای جلب نظر اوکراین طراحی شده، برنامه مشارکت شرقی است که از سال ۲۰۰۹ با همکاری بلاروس، مولداوی، گرجستان، اوکراین، آذربایجان و ارمنستان آغاز شد. بر طبق این برنامه، اتحادیه اروپا ۴۷۰ میلیون یورو بودجه طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ برای کمک به اصلاحات در اوکراین اختصاص داد. روابط اوکراین با روسیه نیز به موازات غرب پیش می‌رود و این کشور بزرگترین شریک تجاری اوکراین در زمینه صادرات و واردات به‌شمار می‌رود.

اما اخیراً اوکراین شاهد بزرگترین اعتراضات بعد از انقلاب نارنجی در سال ۲۰۰۴ بود. این اعتراضات در واکنش به تصمیم ویکتور یانوکویچ؛ رئیس‌جمهور اوکراین انجام شد که در آستانه اجلاس مشارکت شرقی و امضای توافقنامه تجاری بین اوکراین و اتحادیه اروپا در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۳ امضای این قرارداد را تعلیق و به زمان نامعلومی موکول کرد. وی علت این امر را مشکلات اقتصادی اوکراین و فقدان

جدیت طرف اروپایی برای کمک به حل این مشکلات عنوان کرد. چند روز بعد از این اقدام، رئیس‌جمهور اوکراین در سفر به روسیه قراردادی با مسکو امضا کرد که به موجب آن مسکو موافقت کرد تا ۱۵ میلیارد دلار از اوراق قرضه و بدهی‌های اوکراین را خریداری کند و قیمت گاز صادراتی خود را نیز یک سوم کاهش دهد.

با وقوع این رویدادها بحث بر سر اینکه بالاخره اوکراین به طرف روسیه خواهد رفت یا به طرف غرب بالا گرفت. با این حال اوکراین نیز همانند بسیاری از کشورهای حوزه پسا شوروی نشان داده است که با درک عوامل مؤثر بر رفتار طرف‌های رابطه، از رفتن به سمت اردوگاه یک طرف و تبدیل شدن به یکی از اقمار غرب و یا روسیه اجتناب می‌کند و امکان بازی و کسب منافع از این رقابت را برای خود محفوظ نگه می‌دارد. از سوی دیگر عملکرد اتحادیه اروپا نیز بیانگر آن است که این اتحادیه مایل است در فرآیند تغییر جهت کشورهای حوزه شوروی سابق به سمت خود متحمل کمترین هزینه شود. زیرا اروپا برخلاف آمریکا به دلیل پیوندهای اقتصادی وسیعی که با مسکو دارد؛ به‌ویژه در حوزه تأمین انرژی، حاضر نیست روسیه را از خود دور کند. این اتحادیه برای تحقق اهداف خود در بخش انرژی حتی با کمک روسیه اقدام به تأسیس خطوط لوله‌ای کرده که اوکراین را دور می‌زند. در نهایت روسیه نیز با وجود روی کار بودن دولتی که به ظاهر متمایل به مسکو است؛ از تهدید جایگاه اوکراین در تأمین انرژی اروپا فروگذار نکرده و دو خط لوله «جریان جنوبی» و «نورد استریم» را با همکاری کشورهای غربی ساخته است. بنابراین جریان مناسبات غرب، اوکراین و روسیه بیانگر نوعی رقابت برای کسب منافع اقتصادی و استراتژیک بیشتر است.



اوکراین پس از فدراسیون روسیه پهناورترین کشور اروپایی است و همسایه جنوب غربی روسیه می‌باشد. این کشور موقعیت کلیدی در اروپای شرقی دارد، در واقع دو عامل - نخست موقعیت جغرافیایی این کشور به‌عنوان منطقه حائل و قرار گرفتن در حوزه‌ای که برای مسکو مهم و استراتژیک تلقی می‌شود و دوم، قرار داشتن در مسیر ترانزیت نفت و گاز به اروپا - موجب شده است که این کشور در کانون رقابت روسیه و غرب قرار گیرد. اوکراین با جمعیت ۴۶ میلیون نفری با ۴ کشور اروپایی مرز مشترک دارد و مهمترین مسیر ترانزیت گاز روسیه به اروپا به شمار می‌رود. موضوع مهمی که از مدت‌ها پیش رقابت دو طرف را تشدید کرده و اوضاع داخلی اوکراین را نیز به هم ریخته است، امضای موافقتنامه تجارت آزاد با اروپاست. با نزدیک شدن به زمان برگزاری اجلاس «مشارکت شرقی» که در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۳ در «ویلنیوس» پایتخت لیتوانی برگزار شد، این تنش گسترش بیشتری یافت. در نهایت نیز مقامات اوکراین یک هفته پیش از آنکه توافقنامه تجاری بین این کشور و اتحادیه اروپا به امضا برسد، از تعلیق این تصمیم به دلیل مشکلات اقتصادی و عدم تعهد دولت‌های اروپایی خبر دادند. به دنبال این تصمیم مجموعه اعتراضات وسیعی در کی‌یف؛ پایتخت این کشور رخ داد و تظاهرکنندگان خواستار استعفای ویکتور یانوکویچ؛ رئیس‌جمهور شدند. نوشتار حاضر در تلاش است به این پرسش پاسخ دهد که چه زمینه‌هایی در شکل‌گیری تصمیم اخیر یانوکویچ مؤثر بوده‌اند و ریشه‌های داخلی رویدادهای حاضر چیست؟ در ادامه نیز دورنما و آینده تحولات اوکراین مورد توجه قرار می‌گیرد.

اهمیت اوکراین برای روسیه و اتحادیه اروپا

اوکراین از نظر تاریخی برای روسیه اهمیت زیادی دارد، زیرا در حدود سال ۸۶۰ میلادی اولین حکومت اسلاوی شرقی، روسیه کی‌یف، در امتداد دره رود دنیپر پدید آمد؛ مکانی که امروزه پایتخت اوکراین محسوب می‌شود. با این حال بعد از فروپاشی شوروی، اروپا و آمریکا نیز در راستای سیاست گسترش ناتو به شرق به این کشور اهمیت داده‌اند. در سال ۲۰۰۹ اتحادیه اروپا برنامه مشارکت شرقی را با بلاروس، مولداوی، گرجستان، اوکراین، آذربایجان و ارمنستان آغاز کرد. این اتحادیه ۴۷۰ میلیون یورو بودجه طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ برای کمک به اصلاحات در اوکراین اختصاص داد. این کمک‌ها برای مصرف در حوزه‌هایی مانند همکاری در بخش انرژی، تقویت کنترل مرزها، توسعه عدالت قضایی و قانونمندی و پرداختن به نگرانی‌های زیست‌محیطی بود. دو طرف همچنین تلاش می‌کنند نظام لغو ویزا برای مسافرت شهروندان اوکراینی به اتحادیه اروپا را تصویب کنند؛ البته دسترسی به توافق نهایی در این مورد در آینده نزدیک دشوار است (Woehrel, 2013: 7).

اوکراین همچنین در روابط تجاری و اقتصادی خود روابط معتدلی را با دو قطب غرب و مسکو به پیش برده است. هر چند روسیه بزرگ‌ترین شریک تجاری اوکراین در زمینه صادرات و واردات به شمار می‌رود، اما روابط بازرگانی این کشور با اتحادیه اروپا نیز روند رو به گسترشی داشته است. در سال گذشته میلادی ارزش واردات اوکراین از اتحادیه اروپا ۲۵/۱۴ میلیارد یورو بوده و در مقابل، این کشور ۱۴/۳۶ میلیارد یورو کالا و خدمات به کشورهای اروپایی ارسال کرده که این مبادلات



بازرگانی نسبت به سال ۲۰۱۱ میلادی رشدی ملموس داشته است. در همین حال سرمایه‌گذاری مستقیم اتحادیه اروپا در اوکراین در سال ۲۰۰۸ معادل ۷/۷ میلیارد یورو بوده است. (خالوزاده، ۱۳۸۸: ۳۵) روابط اوکراین و روسیه نیز با وجود تنش‌های سال ۲۰۰۴ و بعد از آن رو به گسترش بوده است. دو کشور در اکتبر ۲۰۰۸ معاهده دوستی و مشارکت سال ۱۹۹۷ را برای ۱۰ سال دیگر تمدید کردند. حجم روابط تجاری اوکراین و روسیه در سال ۲۰۰۸ بیش از ۴۰ میلیارد دلار بوده است که از مجموع تجارت اوکراین با کشورهای آسیایی بیشتر است. طی این مدت صادرات روسیه به اوکراین ۲۳/۵ میلیارد دلار و واردات آن از اوکراین ۱۶/۲ میلیارد دلار بوده است (خالوزاده، ۱۳۸۸: ۴۲). همچنین در آوریل ۲۰۱۰ روسیه و اوکراین موافقت کردند که حضور ناوگان روسیه در دریای سیاه در شبه جزیره کریمه را تا سال ۲۰۴۲ تمدید کنند. تاریخ انقضای این قرارداد تا سال ۲۰۱۷ بود. در مقابل روسیه موافقت کرد که در قیمت گاز طبیعی به اوکراین تا ده سال تخفیف قائل شود؛ سودی که از جانب طرفین حدود ۴۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود (Woehrel, 2013: 8).

زمینه‌های تاریخی تحولات و نیروهای موجود در فضای سیاسی اوکراین

در بررسی زمینه‌های داخلی این تحولات قبل از هر چیز داشتن نگاهی به ماهیت و روند تحولات در سال‌های گذشته یعنی سال‌های منتهی به وقوع انقلاب نارنجی و نیز سال‌های پس از آن ضروری است. در عین حال موشکافی نیروهای موجود در فضای سیاسی اوکراین نیز اهمیت زیادی در درک تحولات این کشور دارد. بعد از

برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۴ و اعتراضات مردمی به انتخاب ویکتور یانوکویچ، رقیب وی ویکتور یوشچنکو به قدرت رسید. برخی از عواملی که موجب شد مردم اوکراین به یوشچنکو بپیوندند، شعارهای وی برای مبارزه با فساد و اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشور بود. در سال ۲۰۰۴ رهبران اصلی سیاسی اوکراین همان افرادی بودند که در زمان شوروی قدرت سیاسی را در این کشور برعهده داشتند. آنان در سال‌های پس از استقلال نیز با روسیه در ارتباط بودند. انحصار ثروت و قدرت اقتصادی اوکراین در اختیار گروه‌های معدود و عمدتاً طرفدار حکومت و نزدیک به روسیه بود. در واقع ثروت کشور در دست کمتر از ۱۰ درصد جمعیت حدود ۵۰ میلیون نفری این کشور بود و اکثریت با درآمد ماهیانه حدود ۱۰۰ دلار امرار معاش می‌کردند. رواج رشوه، رانت‌خواری و فساد اداری نیز از جمله مشکلاتی است که در تمام جمهوری‌های شوروی سابق و خود روسیه وجود داشته است (کولایی، ۱۳۸۴).

اوکراین بعد از انقلاب نارنجی سعی کرد با فاصله گرفتن از روسیه سرنوشت خود را هر چه بیشتر در ارتباط با غرب تعریف کند و حرکت به سمت ناتو و اتحادیه اروپا برای دوره‌ای تبدیل به اهداف اصلی سیاست خارجی کی‌یف شد (بهن، ۱۳۸۸). با این حال انتظارات گسترده‌ای که رهبران انقلاب در اوکراین در مورد اجرای سریع اصلاحات به وجود آورده بودند، محقق نشد. یوشچنکو، رئیس‌جمهور وقت اوکراین، در ۸ سپتامبر ۲۰۰۵ دولت تیموشنکو را به اتهام فساد اعضای کابینه از کار برکنار کرد. دیدگاه‌های غیرمشترک این دو مقام اوکراینی در مورد سیاست‌های اقتصادی و



به‌ویژه جریان خصوصی‌سازی به وخیم‌تر شدن شکاف موجود میان آنها انجامید (چتریان، ۲۰۰۶).

در این زمان روسیه نیز با تحت فشار قرار دادن دولت اوکراین برای افزایش قیمت گاز وارداتی از روسیه، موقعیت دولت اوکراین را به‌شدت تضعیف کرد. مدت‌ها بود گازپروم سوخت اوکراین را با قیمتی پنج برابر کمتر از قیمت بازار تأمین و از این طریق بین سه تا پنج میلیارد دلار در سال به اقتصاد اوکراین کمک می‌کرد، درحالی که کمک آمریکا به اوکراین طی سال‌هایی که به «انقلاب نارنجی» منجر شد، از مرز ۱۷۴ میلیون دلار نگذشت (Lieven, 2006). اقدام روسیه در افزایش قیمت گاز در روزهای نخست سال ۲۰۰۶ میلادی رخ داد و موجب شد یوشچنکو با دولت روسیه قراردادی امضا کند که اوکراین را وادار به پرداخت دو برابر هزینه قبلی می‌کرد (چتریان، ۲۰۰۶). به‌علاوه پس از یک دهه افول اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ که با سقوط ۶۰ درصدی بهره‌وری همراه بود، اقتصاد اوکراین تا جایی رشد کرد که تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۴ به افزایشی معادل ۱۲/۴ درصد رسید. با این همه «انقلاب نارنجی» با کاهش نرخ رشد همراه بود و به ۲/۴ درصد در سال ۲۰۰۵ سقوط کرد (چتریان، ۲۰۰۶).

در این دوره از نظر هویتی نیز شکاف در بین جامعه اوکراین بیشتر شد. براساس سرشماری سال ۲۰۰۱، حدود ۱۷/۳ درصد مردم اوکراین روس‌ها هستند که در شرق و جنوب اوکراین متمرکز شده‌اند (Woehrel, 2013: 8). در دوره اتحاد شوروی صنایع و کارخانه‌های بسیاری در شرق اوکراین ساخته شدند و در نتیجه بسیاری از مردم این مناطق با روسیه احساس نزدیکی می‌کنند. روسیه امروزی،

مانند دوره اتحاد شوروی، بزرگترین بازار فروش تولیدات آنهاست. اهالی این شهرها به روسی صحبت می‌کنند؛ اما در سال‌های پس از انقلاب نارنجی، دولت در تلاش برای ساخت ملتی جدید، تأکید زیادی بر زبان اوکراینی کرد. بنابراین هزینه‌های بسیاری صرف ایجاد هویتی شد که پیوندهای نزدیک بخش زیادی از اوکراین را با روسیه نادیده می‌گرفت و این موجب دلسردی مردم شد (سندفورد، ۱۳۹۰).

ناکامی یوشچنکو در اجرای تعهدات خود به مردم اوکراین در محاکمه مقامات ارشد دولت «لئونید کوچما» که متهم به سوءاستفاده از قدرت در طول ریاست‌جمهوری کوچما بودند، نیز کاملاً به ضرر یوشچنکو تمام شد. این اشتباهات و اختلاف رئیس‌جمهور با نخست‌وزیر و برکناری وی عملاً به حزب تیموشنکو کمک کرد تا شرایط بهتری در انتخابات بیابد و شکست حزب «اوکراین ما» به رهبری یوشچنکو را تسریع کرد. نگاهی به سابقه یولیا تیموشنکو و سایر نیروهای سیاسی نیز می‌تواند در درک شرایط انتخابات ۲۰۰۶ مؤثر باشد. تیموشنکو از کسانی بود که دوره حکومت کوچما مسئولیت‌های متعددی داشت. در سال ۱۹۹۹، وی به‌عنوان اولین معاون وزیر در امور انرژی برگزیده شد. سقوط وی به‌دنبال سقوط دولت لئونید کوچما، به یک دوره حبس کوتاه ختم شد که باعث افراطی شدن مواضع خانم تیموشنکو شد. در مقابل، انقلاب اوکراین باعث ظهور نیروهای سیاسی جدید نشد. پنج حزبی که کرسی‌های مجلس را به‌دست آوردند، همگی از سال ۲۰۰۲ وجود داشتند. جنبش دانشجویی پارا (به روسی یعنی: حالا وقتش است!) که «مبارزان» خویش را در اختیار «انقلاب نارنجی» گذاشته بود، تنها به ۱/۴۷ درصد آرا دست یافت و نتوانست



به مجلس راه یابد.

در اولین انتخابات پارلمانی بعد از ۲۰۰۴ یعنی انتخابات ۲۰۰۶ هیچ حزبی موفق به کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان نشد و حزب یانوکوویچ بیشترین آرا را کسب کرد. سه بازیگر عمده انقلاب نارنجی در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ با سه بلوک وارد رقابت‌های پارلمانی شدند؛ ویکتور یوشچنکو با ائتلاف ناشا اوکراینا (اوکراین ما)، بلوک یولیا تیموشنکو (BYT) و ویکتور یانوکوویچ با حزب مناطق. حزب مناطق در این انتخابات با کسب ۳۲ درصد آرا به پیروزی رسید. بلوک تیموشنکو با ۲۷ درصد آرا در مکان دوم قرار گرفت و بلوک یوشچنکو نیز با ۱۳ درصد آرا در مکان سوم جای گرفت (بارسقیان، ۱۳۸۶). این امر منجر به ایجاد بن‌بست سیاسی شد تا آنکه رئیس‌جمهور در ۳ اوت ۲۰۰۶ با نخست‌وزیری یانوکوویچ موافقت کرد. رئیس دولت دو تن از عوامل خویش را در پست وزارت امور خارجه و دفاع قرار داد و انتصاب مسئولین دیگر را در اختیار نخست‌وزیر گذاشت (چتریان، ۲۰۰۶).

این آرایش سیاسی مشکلات زیادی ایجاد کرد؛ به‌نحوی که یوشچنکو برخلاف روند معمول دمکراسی، در کمتر از یک سال حکم به انحلال پارلمان (رادا) داد. وی این تصمیم را اندکی پس از آن گرفت که ۱۱ تن از نمایندگان رادا با تغییر گرایش سیاسی خود و حرکت به سمت حزب مناطق به رهبری ویکتور یانوکوویچ، این نگرانی را در رئیس‌جمهور و احزاب طرفدار وی ایجاد کردند که یانوکوویچ با به‌دست گرفتن اکثریتی با ۳۰۰ کرسی از مجموع ۴۵۰ کرسی پارلمان ممکن است ضمن ایجاد تغییراتی در قانون اساسی کشور، راه را بر حق وتوی رئیس‌جمهور مسدود کند. در نهایت برگزاری یک انتخابات زودهنگام پارلمانی در ۲۷ می ۲۰۰۷ مورد رضایت

طرفین قرار گرفت (کیانی، ۱۳۸۶). در انتخابات ۲۰۰۷ حزب اوکراین ما ۱۴/۱۵ درصد، بلوک تیموشنکو ۳۰/۷۱ و حزب مناطق یانوکویچ ۳۴/۳۷ درصد آرا را کسب کردند. به این ترتیب بار دیگر احزاب انقلاب نارنجی با کسب ۴۴/۸۶ درصد آرا پیروز شدند. اما انتخابات بیانگر کاهش محبوبیت رئیس‌جمهور بود (بهمن، ۱۳۸۸: ۱۰).

در پنجمین انتخابات ریاست‌جمهوری اوکراین که در ۱۷ ژانویه ۲۰۱۰ برگزار شد رئیس‌جمهور وقت (یوشچنکو) به خاطر ضعف سیاسی و اقتصادی و بحران در اداره کشور تنها ۵/۴۵ درصد آرا را کسب کرد (Armenpress, 2010) و در نهایت ویکتور یانوکویچ رئیس‌جمهور شد (بهمن، ۱۳۸۸: ۱۵). با این انتخابات یوشچنکو نیز حذف شد. از بعد از انتخابات ۲۰۱۰ در عرصه سیاسی اوکراین تنها رقیب یانوکویچ، تیموشنکو بود. وی نیز به جرم آنکه در سال ۲۰۰۹ میلادی از محدوده اختیارات خود فراتر رفته و در شرایطی که روسیه برای مدتی عرضه گاز طبیعی به اوکراین را متوقف کرده بود، یک قرارداد گازی ۱۰ ساله برای خرید گاز طبیعی از روسیه به قیمتی بسیار بالا امضا کرده است، در سال ۲۰۱۱ به ۷ سال زندان محکوم شد (Fraser, 2011).

ریشه‌های تحولات اخیر اوکراین

با نگاهی به گذشته اکنون می‌توان ریشه‌های بحران اخیر را نه در خارج از اوکراین؛ بلکه قبل از هر چیز در داخل این کشور جستجو کرد. زیرا امتناع اوکراین از امضای قرارداد با اروپا بیش از هر چیز به مشکلات اقتصادی این کشور در شرایط فعلی



مربوط می‌شود.

نیازهای مالی اوکراین یکی از نخستین دلایلی بود که مقامات این کشور را وادار به اتخاذ این تصمیم کرد. از نظر مقامات اوکراین تصمیم این کشور به همگرایی بیشتر با اتحادیه اروپا طی ماه‌های اخیر ضربات سنگین اقتصادی متوجه این کشور کرده است و این درحالی است که بروکسل نمی‌تواند خسارات اجتناب‌ناپذیر قطع روابط سنتی با روسیه را جبران کند. اقتصاد شکننده اوکراین در مقطع کنونی نیاز زیادی به منابع مالی دارد که به نظر می‌رسد تنها مسکو می‌تواند نسبت به تأمین آن متعهد باشد. درحالی که پیوستن به انجمن تجارت آزاد اروپا به سرعت نمی‌تواند منجر به سرازیر شدن منابع مالی به کیف شود؛ اما در عوض آزرده‌گی و دوری روسیه را در پی خواهد داشت. اتحادیه اروپا نمی‌تواند وعده‌ای اغواکننده بدهد و تنها یک توافق همکاری عادی پیشنهاد می‌کند تا زمینه تجارت و ارتباط بیشتر را فراهم آورد. آنها به جای دادن پول نقد، به آرامی تغییرات را ایجاد می‌کنند. اتحادیه اروپا پنج سال است که برای عقد این قرارداد با اوکراین درحال مذاکره است. این قرارداد شامل بندهایی درخصوص حق کپی‌رایت، اعطای حقوق انحصاری و قطعنامه‌ای در خصوص اختلاف نظرهای تجاری است (ایراس، ۱۲ آذر ۱۳۹۲).

این درحالی است که بانک جهانی در تازه‌ترین پیش‌بینی خود اعلام کرد که رشد اقتصادی اوکراین در سال ۲۰۱۳ میلادی، به صفر نزدیک خواهد شد. درآمدهای اوکراین نیز به علت قیمت پایین گاز شهری افت کرده است. بانک جهانی از دولت اوکراین خواست قیمت گاز شهری را افزایش دهد؛ زیرا درحال حاضر در پایین‌ترین سطح اروپا قرار دارد. اما دولت معتقد است نمی‌تواند قیمت‌های گاز خانگی را افزایش

دهد؛ درحالی که مردم قادر به پرداخت آنها نیستند. به‌طور کلی بحران در کشورهای اروپایی، اقتصاد اوکراین را که به صادرات فولاد وابسته است، در معرض تهدید قرار داده است. رشد اقتصادی اوکراین در کل سال گذشته تقریباً راکد بود و رشد ۰/۲ درصدی را ثبت کرد (خبر معاونت برون‌مرزی، ۱۳۹۲/۷/۱۶).

دلیل دوم را می‌توان عدم خواست اوکراین مبنی بر وقوع یک جنگ تجاری با مسکو دانست. مسکو از ابزارهای مختلفی برای فشار بر کی‌یف برخوردار است و در چند ماه گذشته که بحث الحاق اوکراین به اتحادیه اروپایی جدی‌تر شد روسیه تنها گوشه‌ای از قابلیت‌های خود برای این فشار را به نمایش گذاشت؛ تحریم کالاهای مختلف اوکراینی و بستن مرز به روی آنها، سخت‌گیری در مقررات گمرکی و مانند آن بخشی از فشارهای روسیه است. اگر پروسه الحاق اوکراین به اتحادیه اروپا جدی‌تر می‌شد سخت‌گیری بر ورود مهاجرین کاری اوکراین به خاک روسیه و روند تأثیرگذاری سیاسی مسکو بر فضای درونی اوکراین نیز ابعاد تازه‌ای می‌یافت. زیرا بخشی از جمعیت مناطق شرقی و جنوبی اوکراین که صنایع عمده این کشور را در خود جای داده‌اند، روس‌تبار بوده و گرایش‌های آنها به فدراسیون روسیه را نمی‌توان نادیده گرفت.

دلیل سوم را می‌توان افزایش تعرفه گاز صادراتی روسیه به اوکراین دانست. اوکراینی‌ها که طی سال‌های گذشته خاطرات خوبی را از واردات گاز روسیه نداشته‌اند از این امر واهمه داشتند که در صورت نزدیکی تجاری با اروپا مورد تنبیه مسکو واقع شوند و بار دیگر شاهد قطع لوله‌های گاز باشند. به‌ویژه آنکه اوکراین



حدود دو میلیارد دلار در رابطه با تأمین گاز مصرفی خود به روسیه بدهکار است. (ایراس، ۱۴ آذر ۱۳۹۲) اوکراین باید تا ۱۸ ماه آینده ۱۲/۵ میلیارد یورو در اختیار داشته باشد تا قادر به پرداخت بدهی‌های خود مربوط به خرید گاز از روسیه باشد. در این راستا اتحادیه اروپا پیشنهاد کمک مالی ۶۰۰ میلیون یورویی را مطرح کرده اما از نظر اوکراین این مبلغ بسیار ناچیز و تحقیرکننده است (یورونیوز فارسی، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۳).

در نهایت یک عامل سیاسی نیز می‌تواند موجب امتناع اوکراین از امضای این توافق در مقطع زمانی فعلی باشد. یانوکوویچ که برای انتخابات سال ۲۰۱۵ اوکراین برنامه‌ریزی می‌کند، در صورت امضای موافقتنامه مذکور ضمن آنکه با فشار اتحادیه اروپا مجبور به آزادی رقیب خود «یولیا تیموشنکو» می‌شد با پدید آمدن بحران اقتصادی در کشور شانس اندکی برای پیروزی داشت (Woehrel, 2013: 7). به‌علاوه در پی الحاق اوکراین معضلاتی نیز گریبانگیر این کشور می‌شد که از جمله آنها بحران‌های اجتماعی و انشقاق و چنددستگی در بین شرق و غرب اوکراین بود.

آینده تحولات

در برآورد تحولات آینده، اوکراین باید در نظر داشت که این کشور از یک‌سو به‌دلایل تاریخی، سیاسی، قومیتی، اقتصادی و نیازهای حوزه انرژی محتاج مسکو است و از سوی دیگر عضویت در اتحادیه اروپا و همکاری با غرب نیز می‌تواند مزایای بسیار دیگری برای کی‌یف در پی داشته باشد. هیچ یک از احزاب و گروه‌های سیاسی کشور

نیز خواهان قطع رابطه با یک طرف و ورود کامل به اردوگاه طرف مقابل نیستند. در مورد روسیه مسئله صرفاً تمایل این کشور به حفظ اوکراین در حوزه خود نیست. این درست است که به دلایل تاریخی از میان رفتن نفوذ روسیه در این کشور موجب کم‌رنگ شدن هویت اروپایی مسکو می‌شود؛ اما با توجه به وضعیت هویتی و تاریخی اوکراین این یک نیاز دوطرفه است و همین امر کار را برای سیاستمداران اوکراین سخت کرده و البته احتمالاً جلوی اقدامات شتابزده آنها را سد می‌کند. با این حال اوکراین نیز برای ایجاد تعادل در سیاست‌های خود باید به غرب نگاه داشته باشد. قبل از همه احزابی که اکنون به غربگرایی معروفند، لئونید کوچما، رئیس‌جمهور وقت اوکراین که همواره به روسیه نزدیک بوده است، گام‌هایی را به سمت نزدیکی به اتحادیه اروپا برداشت و حتی در سال ۱۹۹۸، تقاضای عضویت کشورش را در اتحادیه اروپا تسلیم مقامات بروکسل کرد (Kuzio, 2006: 91).

در دوره یوشچنکو برای عضویت اوکراین در ناتو گام‌هایی برداشته شد، ولی یانوکوویچ در اولین اقدام عضویت در ناتو را از دستور کار سیاست خارجی اوکراین خارج کرد؛ اما این اقدام را می‌توان با تصمیم نشست سران ناتو در بخارست در آوریل سال ۲۰۰۸ مرتبط دانست که در آن تمایل این کشور برای عضویت به برنامه اقدام برای عضویت^۱ کاهش داده شد. در واقع نظر منفی فرانسه، آلمان و برخی دیگر از کشورها موجب این اقدام ناتو شد (Lang, 2009: 8). با این حال حتی او نیز به همکاری با ناتو و مشارکت در تمرین‌های نظامی آن بدون درخواست عضویت ادامه



داد (6: Woehrel, 2013). از طرفی یوشچنکو که رهبر انقلاب نارنجی محسوب می‌شد، کمی پس از انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور اولین سفر خارجی خود را به مسکو انجام داد، زیرا به خوبی از پیوندهای همه‌جانبه روسیه و اوکراین آگاه بود (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۶۸).

از جانب روسیه مشکلی با الحاق گسترده اوکراین به ساختارهای روسیه محور وجود ندارد. مسکو که در سومین دوره ریاست‌جمهوری پوتین طرح اتحادیه اقتصادی اوراسیا را مطرح و قبلاً با کشورهای بلاروس و قزاقستان موافقتنامه اتحادیه گمرکی امضا کرده است، خود را محق می‌داند که کی‌یف را به‌عنوان یکی از اعضای شوروی سابق با پیوندهای عمیق اقتصادی، فرهنگی و تاریخی به این اتحادیه ملحق کند.

اما از جانب اتحادیه اروپا از همان ابتدای تمایل اوکراین برای ورود به ساختارهای اروپایی مشکلاتی وجود داشته است. اتحادیه اروپا از همگرایی سیاسی و اقتصادی با این کشور احتراز می‌کند و سیاست خارجی خود را در قبال اوکراین بر اساس سیاست کلان خود نسبت به روسیه تنظیم می‌کند و این روند حتی در دوره بعد از انقلاب رنگی در اوکراین نیز ادامه داشته است. دو دلیل مهم برای این جهت‌گیری وجود دارد:

۱. مشکلات ناشی از گسترش اتحادیه اروپا

انقلاب نارنجی در اوکراین در شرایطی رخ داد که دیپلماسی اتحادیه اروپا به دو دلیل ضعیف شده بود. نخست در دو مقطع زمانی ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ اتحادیه اروپا پذیرای ۱۲

عضو جدید از این منطقه بود. همین مسئله نوعی «خستگی به دلیل گسترش»^۱ در این اتحادیه به وجود آورده بود (Kuzio, 2006: 95). تاکنون اتحادیه اروپا هرگز دولت‌های عضو پیمان CIS (جامعه کشورهای همسود) را به‌عنوان نامزدهای احتمالی عضویت به رسمیت نشناخته است. اتحادیه اروپا با کشورهای عضو این پیمان در قالب چارچوب‌هایی مانند PCA (توافقنامه مشارکت و همکاری) و سیاست همسایگی اروپایی ENP وارد تعامل شده است. این نوع همکاری‌ها با دیگر کشورهای همسایه همچون روسیه، کشورهای واقع در شمال آفریقا و اسرائیل نیز برقرار است. رأی منفی مردم فرانسه و هلند به قانون اساسی واحد اروپا نیز روند همگرایی سیاسی - اقتصادی اتحادیه اروپا را با نوعی وقفه مواجه ساخت (Kuzio, 2006: 91-90). همه این موارد با گسترش بحران اقتصادی در درون حوزه یورو بیش از پیش تشدید شده است. بنابراین فعلاً به نظر می‌رسد ایده مشارکت شرقی نیز تنها برای سست کردن پیوندهای اوکراین با روسیه است و نه ورود به اتحادیه اروپا.

۲. تمایل نداشتن قدرت‌های بزرگ اتحادیه نسبت به ورود اوکراین

به نظر می‌رسد اوکراین نزد اعضای اتحادیه اروپا از موقعیت دوگانه‌ای برخوردار است. درحالی که دولت‌های متوسط و کوچک عضو، خواهان نزدیکی اتحادیه به اوکراین و نهایتاً زمینه‌سازی جهت عضویت این کشور در اتحادیه اروپا می‌باشند، قدرت‌های اصلی اتحادیه به‌ویژه آلمان و فرانسه که نیروی محرکه اصلی همگرایی



اقتصادی و سیاسی این اتحادیه می‌باشند، خواهان نوعی حفظ فاصله - البته به دلایلی متفاوت از یکدیگر - در روابط میان بروکسل و کی‌یف هستند. فرانسه برقراری مشارکت و همکاری گسترده اتحادیه اروپا با اوکراین را زمینه‌ساز عضویت آن کشور در این اتحادیه می‌داند. حال آنکه پاریس از مخالفان گسترش اتحادیه اروپا به‌ویژه باز شدن دروازه‌های بروکسل به سوی کشورهای بزرگ و حساسی همچون اوکراین که از جایگاه و اهمیتی بین‌المللی برخوردار است، می‌باشد. علت مقاومت فرانسه در برابر سیاست گسترش اتحادیه اروپا نیز آن است که گرچه فرانسه اتحادیه اروپا را بهترین محل برای بهبود قدرت و هویت ملی خود در آن اتحادیه می‌داند، لکن بر این باور است که گسترش روزافزون اتحادیه می‌تواند به کمرنگ شدن نقش رهبری آن کشور در این نهاد بین‌المللی و افزایش نفوذ و مداخلات ایالات متحده آمریکا به‌عنوان حامی اصلی دول اروپای شرقی و نهایتاً به ایجاد شکاف سیاسی میان اعضای اتحادیه اروپا منجر شود (کیانی، ۱۳۸۶). پیروی کشورهای اروپای مرکزی و بالتیک از انگلیس و آمریکا در جنگ علیه عراق در سال ۲۰۰۳ نمونه‌ای از این امر بود. این کشورها که قرار بود در سال ۲۰۰۴ به عضویت اتحادیه اروپا در آیند به‌رغم مخالفت آلمان و فرانسه با اقدام نظامی آمریکا علیه عراق، به حمایت از این عملیات نظامی پرداختند (Kuzio, 2006: 97). آلمان نیز اگرچه برخلاف فرانسه حامی و طراح اصلی سیاست گسترش اتحادیه اروپا به سمت شرق به‌عنوان اقدامی راهبردی جهت توسعه منافع اقتصادی و نیز برقراری ثبات و امنیت در مرزهای شرقی خود می‌باشد، لکن به‌دلیل مناسبات اقتصادی ویژه‌ای که با روسیه در عرصه‌های تجاری و انرژی دارد، خواهان به مخاطره افتادن این روابط در ازای

حمایت از گسترش نقش و نفوذ اتحادیه اروپا در اوکراین نیست (Woehrel, 2013: 6). روسیه و آلمان همچنین در زمینه مخالفت با حمله نظامی آمریکا به عراق نیز با هم موافق بودند.

نیاز اتحادیه اروپا به واردات انرژی و به‌ویژه گاز از روسیه موجب ضعف این اتحادیه در برابر روسیه و نادیده گرفتن مشکلات اوکراین در برابر روسیه شده است. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۶ از مجموع ۵۰ درصد گاز طبیعی وارداتی، ۲۵ درصد آن را از روسیه وارد می‌کرد و این رقم تا سال ۲۰۲۰ به ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. قطع گاز در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ موجب شد روسیه و برخی از کشورهای اروپایی برای ایجاد خط لوله‌ای اقدام کنند که اوکراین را دور می‌زد. گازپروم درحال ایجاد خطوط لوله‌ای در زیر دریای بالتیک به نام «نورد استریم» و یک خط لوله نیز از طریق بالکان به نام «جریان جنوبی» به اروپای غربی است. نورد استریم اولین انتقال گاز خود را در سال ۲۰۱۱ انجام داد و جریان جنوبی نیز در سال ۲۰۱۵ اولین انتقال گاز خود را انجام خواهد داد. گازپروم همچنین درحال انجام طرحی است که بتواند تهیه گاز برای اروپای غربی را از طریق بلاروس افزایش دهد؛ زیرا در سال ۲۰۱۱ کنترل کامل خطوط لوله این کشور را به دست گرفت. امری که اوکراین از آن سرباز زده است (Woehrel, 2013: 9).

اما خط لوله گاز شمالی که از سال ۲۰۱۰ تا یک تریلیون مترمکعب گاز طبیعی را سالیانه از روسیه به کشورهای اروپای شمالی و غربی و به‌ویژه آلمان جابجا می‌کند، از پتانسیل ترانزیتی اوکراین کاسته و میزان اتکای اتحادیه اروپا به ترانزیت گاز



طبیعی از اوکراین را کاهش داده است (کیانی، ۱۳۸۶) به نحوی که در سال ۲۰۱۲ حدود ۶۰ درصد از گاز طبیعی روسیه که برای اروپا اختصاص یافته بود، از طریق اوکراین ترانزیت شد که این رقم در سال‌های قبل از احداث خط لوله جریان شمالی ۸۰ درصد بود (Woehrel, 2013: 8). مجموعه این مشکلات در روابط اوکراین با روسیه و اتحادیه اروپا حتی موجب شده است در ژانویه ۲۰۱۳ اوکراین و شرکت شل یک توافقنامه مشترک تولید برای استخراج گاز از سنگ‌های رسی^۱ در اوکراین امضا کردند (Woehrel, 2013: 9). امری که در صورت رسیدن به نتیجه نهایی آینده اوکراین را در ارتباط با این دو طرف دستخوش تحول اساسی خواهد کرد.

به‌علاوه اکثر کشورهای اروپایی از این نگرانند که اوکراین با وضعیت بد اقتصادی خود باری بر دوش این اتحادیه باشد (Woehrel, 2013: 7). اوکراین با وجود تحولات سیاسی گسترده از سال ۲۰۰۴ تاکنون، از نظر میزان فساد به جمع ثلث پایینی کشورهای جهان پیوسته است (سندفورد، ۱۳۹۰) و عدم پیشرفت اصلاحات اقتصادی ازسوی جریان‌های سیاسی طرفدار غرب پس از بروز انقلاب نارنجی در اوکراین از مهمترین عواملی است که اتحادیه اروپا را به بی‌اعتمادی در مورد پایداری اصلاحات در اوکراین سوق داده و تمایل به اصلاحات تدریجی و غیر شتابزده را افزایش داده است.

هفته گذشته اوکراین یک توافق مهم با روسیه امضا کرد که به موجب آن روسیه موافقت کرده است تا ۱۵ میلیارد دلار از اوراق قرضه و بدهی اوکراین را خریداری

کند و قیمت گاز صادراتی خود را نیز یک سوم کاهش دهد. سرانجام روسیه در ۱۷ دسامبر سال جاری قیمت هر هزار مترمکعب گاز صادراتی خود به اوکراین را ۲۴۰ دلار کاهش داد و بدین ترتیب قیمت هر هزار مترمکعب گاز صادراتی روسیه به اوکراین از ۴۰۰ دلار به حدود ۲۶۸ دلار رسید. ازسوی دیگر اوکراین تاکنون در موضع خود درخصوص انعقاد قرارداد با اتحادیه اروپا کوتاه نیامده است، اما آن را به تعویق انداخته است، نخست‌وزیر اوکراین قبلاً گفته بود در صورتی که ۲۸ میلیارد دلار از اتحادیه اروپا کمک بگیرد، حاضر به امضای قرارداد فی‌مابین می‌شود (ایراس، ۹ آذر ۱۳۹۲). رئیس‌جمهوری اوکراین همچنین به اتحادیه اروپا گفت که این کشور قصد دارد پیمان تجارت آزاد با اتحادیه اروپا را در آینده نزدیک امضا کند، اما به کمک اقتصادی و مالی نیاز دارد. او گفت که اتحادیه اروپا، انتخابی استراتژیک برای توسعه اوکراین است (ایراس، ۶ آذر ۱۳۹۲). علاوه بر این، با وجود شکست اجلاس «مشارکت شرقی» در ویلنیوس، اوکراین عجله‌ای برای ورود به اتحادیه گمرکی از خود نشان نداده است.

با آنکه روسیه همواره اوکراین را برای پیوستن به اتحادیه گمرکی تحت فشار قرار داده است؛ ولی اوکراین این درخواست را رد کرده است. زیرا آن را در تقابل با توافقاتی می‌داند که قبل از پیوستن به سازمان تجارت جهانی با سایر کشورها امضا کرده است. البته قوانین این اتحادیه با توافقنامه تجارت آزاد اروپا و اوکراین نیز سازگار نیست. در عین حال اوکراین مایل است جایگاه ناظر را در این سازمان به دست آورد، ولی روسیه این طرح را رد کرده است؛ با این استدلال که اوکراین یا باید



به طور کامل به این اتحادیه بپیوندند و یا اصلاً نپیوندند (Woehrel, 2013: 8). اقدام دولت یانوکویچ (که از آن به عنوان یک دولت روس‌گرا یاد می‌شود) در پذیرش مقامات اتحادیه اروپا و آمریکا و اجازه به آنان برای حضور در جمع مخالفان^۱ نشان از تلاش اوکراین برای فشار همزمان به غرب و روسیه برای دریافت کمک دارد و این توافقنامه همانقدر که برای روسیه پیروزی محسوب می‌شود، برای اوکراین نیز پیروزی بزرگی است که توانسته در شرایط اقتصادی نامناسب خود از رقابت طرفین برای کسب منافع استفاده کند. در واقع به نظر می‌رسد حداقل اوکراین به این نتیجه رسیده که فعلاً شرایط به‌گونه‌ای نیست که این کشور ناچار از اتخاذ تصمیم نهایی باشد و تلاش می‌کند در آینده نیز این تعادل را در روابط خود با غرب و روسیه حفظ کند.

نتیجه‌گیری

هر چند تصمیم دولت اوکراین در تعلیق امضای توافقنامه تجارت آزاد با اروپا و وقوع بزرگترین اعتراضات بعد از سال ۲۰۰۴ میلادی بار دیگر به بحث پیوستن اوکراین به اردوگاه غرب و یا روسیه دامن زد؛ اما ریشه‌یابی این اقدام دولت و بررسی زمینه‌ها و نوع رفتار سه طرف این دعوا (غرب و به‌ویژه اتحادیه اروپا، روسیه و اوکراین) نشان می‌دهد که تصمیمات دولت اوکراین قبل از هر چیز برای کسب منافع اقتصادی و

۱. کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ویکتوریا نولاند از مشاوران وزیر خارجه آمریکا و گیدو وستروله؛ وزیر خارجه آلمان از مقاماتی بودند که به جمع تظاهرکنندگان مخالف دولت اوکراین رفتند.

امتیاز حاصل از رقابت غرب و روسیه در این کشور است. دولت غربگرای یوشچنکو در سال‌های پس از انقلاب نارنجی همواره در پی حفظ روابط معمول اوکراین با روسیه بود و بخشی از این امر ناشی از وابستگی ژئوپولیتیک آن به منابع گاز روسیه است. از طرفی دولت روس‌گرای یانوکوویچ نیز با آنکه طرح پیوستن به ناتو را از دستور کار دولت خارج کرد؛ اما کماکان اعلام کرد که به تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا و همکاری با این اتحادیه ادامه خواهد داد. در جریان اخیر نیز چند عامل موجب شد که اوکراین قرارداد مزبور را معلق نگاه دارد.

نخست مشکلات شدید اقتصادی این کشور بود که با تحریم‌های اقتصادی و تجاری وضع شده از جانب روسیه در ماه‌های اخیر بیشتر شده بود. اقتصاد اوکراین به منابع مالی زیادی نیاز داشت که اتحادیه اروپا خود را در قبال تأمین آن مسئول نمی‌دید و در عوض امضای توافقنامه مزبور به احتمال زیاد مانع از آن می‌شد که روسیه نیز کمکی به دولت کی‌یف کند. اما بعد از سفر یانوکوویچ به روسیه این کشور توانست کمکی ۱۵ میلیارد دلاری دریافت کند و این کمک تا حدی مشکلات را برای اوکراین کاهش می‌داد. عامل دوم بدهکاری زیاد دولت اوکراین به شرکت دولتی گازپروم روسیه بود که با افزایش آن در طول زمستان، احتمال قطع گاز از جانب روسیه در ماه‌های آینده بالا می‌رفت؛ در حالیکه در توافق اخیر پوتین و یانوکوویچ تخفیف در قیمت گاز نیز مورد توافق قرار گرفت و خطر تا حدودی کم شد. در نهایت دولت یانوکوویچ با امضای توافقنامه تجارت آزاد با اروپا نیز وضعیتی بهتر از زمان اعلام لغو آن داشت؛ زیرا بدون دریافت این کمک‌ها از روسیه احتمال اعتراضات بیشتر در انتخابات سال ۲۰۱۵ و



فروپاشی دولت وی وجود داشت. به چنین دلایلی به نظر می‌رسد دولت اوکراین و شخص یانوکوویچ بیش از آنکه به دنبال نزدیکی به غرب و یا روسیه باشد، درصدد حفظ تعادل در روابط خود با هر دو طرف، کسب منافع و در مقابل، پیروزی در انتخابات سال ۲۰۱۵ و ادامه حضور خود در قدرت است.

از جانب غرب و به‌طور مشخص اتحادیه اروپا نیز با توجه به بحران اقتصادی در درون حوزه یورو این تمایل وجود ندارد که عضوی جدید با مشکلات اقتصادی فراوان وارد این اتحادیه شود و سایر اعضا ناچار از کمک به آن باشند؛ چنین وضعیتی حتی موجب تزلزل درونی اتحادیه اروپا نیز می‌شود. بنابراین هیچ‌یک از اقدامات سه طرف این دعوا فعلاً نشانه انتخاب نهایی نیست و با توجه به همکاری‌های گسترده روسیه و اتحادیه اروپا بدون اوکراین؛ بعید به نظر می‌رسد در آینده نزدیک نیز اوکراین بخواهد یکی از پایه‌های این بازی و کسب امتیاز از طرف مقابل را کنار بگذارد.

منابع و مآخذ

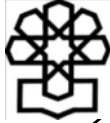
۱. امیراحمدیان، بهرام. تحولات اوکراین یا انقلاب نارنجی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴.
۲. بارسقیان، سرگه. «انقلاب نارنجی زیر خیمه آبی» ۲۳ فروردین ماه ۱۳۸۶، روزنامه اعتماد.
۳. بهمن، شعیب. اوکراین؛ از انقلاب نارنجی تا پیروزی آبی، دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا (ایراس)، شماره ۲۷، بهمن و اسفند ۱۳۸۸.
۴. چتریان، ویکن. «انقلاب نارنجی رنگ می‌بازد»، ماهنامه فارسی لوموند دیپلماتیک، سپتامبر ۲۰۰۶، <http://ir.mondediplo.com/article977.html>.
۵. خالوزاده، سعید. ابتکار مشارکت شرقی و تأثیر آن بر روابط روسیه با اتحادیه اروپایی،

- دوفصلنامه مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، سال چهارم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۶. سندفورد، دانیل. «چرا انقلاب نارنجی اوکراین از نفس افتاد»، بی بی سی فارسی، ۱۵ فروردین ۱۳۹۰،
http://www.bbc.co.uk/persian/world/2011/04/110404_an_ukraine_orange.shtml
۷. کولایی، الهه. افسانه انقلاب‌های رنگی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.
<http://isna.ir/fa/news/92091107502>
۸. کیانی، داود. رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به تحولات اوکراین، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۹.
<http://www.csr.ir/departments.aspx?Ing=fa&abtId=06&&depId=44&&semId=831>
۹. هشدار بانک جهانی درباره کاهش رشد اقتصادی اوکراین، سایت رسمی خبر معاونت برون‌مرزی ۱۶ مهرماه ۱۳۹۲،
<http://news.irib.ir/NewsPage.aspx?newsid=37635>
۱۰. آیا روسیه عامل اصلی عدم نزدیکی اوکراین به اتحادیه اروپاست؟، یورونیوز فارسی، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۳،
<http://persian.euronews.com/2013/11/29/european-union-in-association-battle-with-russia-over-ukraine/>
۱۱. اوکراین، کارزار جنگ اروپا با روسیه، ۱۱ آذرماه ۱۳۹۲، خبرگزاری ایسنا.
۱۲. دهکاری اوکراین به روسیه، ۱۴ آذرماه ۱۳۹۲، سایت مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)،
<http://www.iras.ir/vdcjx8et.uqe8hzsffu.html>
۱۳. رئیس‌جمهوری اوکراین: کی‌یف قصد دارد پیمان تجارت آزاد با اتحادیه اروپا را امضا کند، شنبه ۹ آذرماه ۱۳۹۲، سایت مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)،
<http://www.iras.ir/vdch6znx.23nikdft2.html>
۱۴. یانوکویچ: اوکراین زمانی که آمادگی اقتصادی داشته باشد با اتحادیه اروپا توافقنامه امضا می‌کند، چهارشنبه ۶ آذرماه ۱۳۹۲، سایت مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).



<http://www.iras.ir/vdcgzq9w.ak9xq4prra.html>

15. Fraser, Derek, What was really in Tymoshenko's 2009 gas agreement with Russia? Oct. 12, 2011, <http://www.kyivpost.com/opinion/op-ed/what-was-really-in-tymoshenkos-2009-gas-agreement--114603.html>
16. Kuzio, Taras. "Is Ukraine Part of Europe's Future", The Washington Quarterly, Center for Strategic and International Studies and the Massachusetts Institute of Technology, Summer 2006, http://www.taraskuzio.net/International%20Relations_files/international_eu_ukraine.pdf
17. Lang, K. (2009) "Toward a Transatlantic Eastern Policy? The U.S., the EU, and The In Between States", American Institute for Contemporary German Studies.
18. Lieven, Anatol. "The West's Ukraine Illusion", International Herald Tribune, 5 January 2006, http://www.newamerica.net/publications/articles/2006/the_wests_ukraine_illusion
19. Woehrel, Steven. "Ukraine: Current Issues and U.S. Policy", May 24, 2013, Congressional Research Service, <https://www.fas.org/sgp/crs/row/RL33460.pdf>
20. Ukrainian CEC ends count of votes cast in presidential election, 19 January 2010, <http://armenpress.am/eng/news/586344/ukrainian-cec-ends-count-of-votes-cast-in-presidential-election.html>



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۴۹۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحولات اوکراین و چشم‌انداز آینده

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: فاطمه عطری

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. اوکراین

۲. روسیه

۳. اتحادیه اروپا

۴. یانوکویچ

۵. کی‌یف

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۸